

## تخلفات تجارتي از دیدگاه قانون

### عبدالرحمن عظیمی

به منظور اینکه تاجران در اجرای معاملات تجارتي خویش قانونمند عمل نموده باشند، یک سلسله قواعدی وضع گردیده که تاجران به رعایت آن ملزم میباشند. در صورت عدول از این قواعد متخلف شناخته شده با مجازات قانونی مواجه می گردند.

هم اکنون که اکثریت معاملات فیما بین اشخاص حقیقی و حکمی را معاملات تجارتي تشکیل می دهد، از اینکه معاملات تجارتي روز تا روز ابعاد وسیع تری پیدا می نماید و تاجران همواره خواهان کسب منافع بیشتر نسبت به رقبای تجارتي خویش می باشند. در جریان پروسه های کاری فعالیت تجارتي شان یک سلسله تخلفات از آنها سر می زند که باعث متضرر شدن جانب مقابل آنها گردیده، منازعاتی را فیما بین آنها ایجاد می نماید. به خاطر اینکه تاجران در معاملات تجارتي خویش مطابق قانون عمل کرده باشند قانون تجارت افغانستان یک سلسله قواعد و نورم هایی وضع نموده است تا جلو رقابت های غیر قانونی دست اندرکاران این پیشه را بگیرد و یک فضای مطمئن برای تاجران در جریان فعالیت تجارتي شان بوجود آورد؛ بناءً اعمالی که در معاملات تجارتي بین تاجران غیر قانونی محسوب می گردد، قرار آتی بیان می گردد:

بر اساس صراحت مواد ۵۵ الی ۶۴ قانون تجارت اگر یک تاجر علایم و اسمائی که مستحق است، استعمال نماید. تاجر دیگری این علایم و اسماء را به حق استعمال کند، که بین شان اشتباه واقع شود. استعمال چنین اسم و علامت به تاجری که بعد از تاجر اولی این اسم و علامت را استعمال نماید، ممنوع می باشد. شخصی که این عمل خلاف قانون را انجام دهد،

اگر چه در این عمل هیچگونه قصوری از وی نباشد، باز هم محکمه می تواند بر اثر درخواست شخص علاقمند و متضرر، امر منع کار برد اسم و علامت را صادر کند. چراکه کار برد هرگونه حیل و نیرنگ و دسیسه در امور تجارتي قانوناً ممنوع می باشد. یک تاجر زمانی که قصد اجرای رقابت با تاجر دیگری را داشته باشد نمی تواند، به نشرات خلاف حقیقت متصل شود، که به منفعت و تجارت دیگری ضرر وارد نماید.

یک تاجر نمی تواند به اشاعات خلاف حقیقت راجع به منشأ یا اوصاف امتعه و یا اهمیت تجارت خود، به مقصد جلب مشتریان تاجر دیگری که متاع همجنس وی را می فروشد، پردازد. از حیل و نیرنگ کار گرفته تصدیق نامه و مکافاتی را که لایق آن نیست و ضمناً ارائه نمودن آن قانوناً ممنوع است، انتشار دهد.

هیچ تاجری نمی تواند که مامورین و مستخدمین تاجر و یا فابریکه دیگری را جهت اطلاعات از مشتری فابریکه و یا تاجر در بدل امتیاز مادی و معنوی به خود جلب نماید. در صورتی که تاجر همچو اعمال خلاف قانون را انجام دهد، مجبور و مکلف به جبران خساره متضرر می باشد.

یک نمایندگی اطلاعاتی تجارتي به طور قصدی و یا در نتیجه غفلت و بی توجهی درباره اخلاق و اقتدار مالی یک تاجر معلومات غلط را به نشر بسپارد، انتشاردهنده اطلاعات غلط مسئول جبران خساره مادی و معنوی به تاجری که از این اطلاعات خساره مند گردیده، می باشد. در صورتی که انتشار دهنده اطلاعات مذکور، اطلاعات داده شده خلاف حقیقت را طوری که واقعیت است، تصحیح نماید، این عمل وی سبب برائت وی شده نمی تواند، محکمه می تواند در عین زمان بر علاوه حکم به جبران خساره متضرر از جانب متخلف امر نماید تا جهت اعاده حیثیت تاجر یا موسسه متضرر شده، مسأله مذکور در یک جریده و یا جراید متعدد به مصرف نماینده متخلف نشر شود.

قابل یاد آوری است که هرگاه تاجری که با سوء نیت این حرکت را انجام داده باشد به جزای نقدی و حبس نیز محکوم می گردد. اگر شخصی که به جزا و جبران خساره مادی یکبار محکوم گردیده باشد، مکرراً این عمل را مرتکب شود جزای آن دو چند جزای قبلی تعیین شده می تواند. در اخیر باید گفته شود که هدف از تطبیق مجازات به موجب این قانون

دفاع و حمایه مادی و معنوی تاجران، صاحبان تولید و سرمایه بوده تا آنها بتوانند در فضای امن و اطمینان کار و فعالیت خود را به پیش برند.

حق تحصیل زنان

### حفیظ الله زکی

حق تحصیل زنان مساوی با مردان هم در اسناد بین المللی و هم در قوانین ملی به رسمیت شناخته شده است و به زنان مانند مردان حق داده شده، تا به مکتب بروند و در رشته مختلف علوم درس بخوانند. هیچ محدودیتی در این زمینه برای زنان وجود ندارد. در اسلام نیز هر انسانی بر اساس شایستگی، توانمندی، استعداد و امکانات خود از حق تعلیم و آموزش بهره مند می باشد. قرآن کریم با تأکید بر مقام علم و عالم می فرماید: "هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون" (زمر ۳۹ آیه ۹) آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند، برابرند؟ و نیز می فرماید: "انما یخشی الله من عباده العلماء" (فاطر ۳۵ آیه ۲۸) از میان بندگان خداوند، فقط دانشوران از او خوف و خشیت دارند.

نخستین آیاتی که بر پیامبر اکرم (ص) نازل شد، حاوی کلماتی در گرامی داشت تعلیم، قلم و کتابت، به عنوان یکی از بزرگترین و نخستین نعمت های الهی بر انسان بود. "اقرأ و ربک الأکرم \* الذی علّم بالقلم \* علّم الانسان ما لم یعلم" (علق ۹۶ آیات ۵ - ۳) بخوان و پروردگار تو بس گرامی است. همان که با قلم، و کتابت، انسان را آموزش داد. به انسان چیزی را که نمی دانست، آموخت.

پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز فرموده اند: "طلب العلم فریضه علی کل مسلم" فراگیری علم بر هر مسلمانی واجب است. بر این اساس زنان می توانند به میزان خواست و توانمندی های شان در جهت کسب و فراگیری علم، دانش و فرهنگ تلاش نمایند. شواهد تاریخی نشان می دهد که در آغاز دوران تمدن اسلامی، زنان عرب در رشته های مختلف علوم پیشرفت هایی چشمگیری داشته اند و تعدادی از آنان تا مرحله تخصص، تحصیلات شان را پیش برده اند و بسیاری از شخصیت های دیگر اعم از زن و مرد، در محضر شان آموزش دیده اند. جلسات درسی و علمی زنان در کشورهای مختلف اسلام از شأن و شکوهی خاصی برخوردار بود.

واقعیت های عینی در تاریخ اسلام از این حکایت دارد که دین اسلام، همواره خواهان ایجاد فرصت های مناسب و محیط شایسته آموزشی برای زنان به منظور رشد و دسترسی آنان تا عالی ترین درجه تعلیم و تربیت بوده است. بنابراین منع زنان از آموزش و تحصیل که سبب فراگیری جهل و بی سوادی در میان زنان مسلمان شده اند به هیچ وجه منشأ اسلامی ندارد؛ بلکه ریشه در رسوم و عنعنات و یا احیاناً انحرافات دارد که متأسفانه گاه به نام دستورات دین تبلیغ و ترویج می گردد.

در ماده ۴ چهل و سوم قانون اساسی در مورد حق تعلیم شهروندان چنین مقرر می دارد: "تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه ۴ لیسانس در مؤسسات تعلیمی دولتی به صورت رایگان از طرف دولت تأمین می گردد. دولت مکلف است به منظور تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان، تأمین تعلیمات متوسطه اجباری، پروگرام مؤثر طرح و تطبیق نماید و زمینه تدریس زبانهای مادری را در مناطقی که به آنها تکلم می کنند فراهم کند."

ماده ۴ چهل و چهارم قانون اساسی به صورت ویژه بر تحصیل زنان می پردازد و دولت را مکلف می سازد، تا در راستای انکشاف تعلیم برای زنان تلاش مؤثری انجام دهد. "دولت مکلف است به منظور ایجاد توازن و انکشاف تعلیم برای زنان، بهبود تعلیم کوچیان و امحای بی سوادی در کشور، پروگرامهای مؤثر طرحو تطبیق نماید."

در ماده بیست و ششم و بیست و هفتم اعلامیه جهانی حقوق بشر، نیز بر تساوی حقوق زن و مرد در آموزش تأکید شده است و هیچ فرقی در این زمینه بین زن و مرد قایل نشده است. ماده بیست و ششم: "هرکس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره مند شود. آموزش و پرورش لااقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید مجانی باشد.

آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش حرفه ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل، به روی همه باز باشد، همه بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره مند گردند.

آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر کس را به حد کامل رشد آن برساند و احترام به حقوق و آزادیهای بشر را تقویت کند. آموزش و پرورش باید با حسن تفاهم، گذشت و احترام به عقاید مختلف و دوستی بین تمام ملل، جمعیت‌های نژادی یا مذهبی و همچنین توسعه فعالیت‌های ملل متحد را در راه حفظ صلح تسهیل نماید. پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان خود نسبت به دیگران اولویت دارند."

ماده بیست و هفتم: هر کس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی - اجتماعی شرکت کند، از فنون و هنرها متمتع گردد و در پیشرفت علمی و فواید آن سهیم باشد. هر کس حق دارد از حمایت منافع معنوی و مادی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود.

شمار کارکنان ریاست محاسب و توقیف خانه هابه ۱۰۱۰۰ نفر افزایش می یابد

به منظور تطبیق پروسه ریفورم کارکنان در ریاست محاسب و توقیف خانه های وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان، روز سه شنبه ۷ میزان ۱۳۸۸ از پرسونل نظامی محبس مرکزی پلچرخی امتحان اخذ گردید. ... پوهندوی عبدالقادر عدالتخواه معین اداری وزارت عدلیه در گفتگو با نشریه آگاهی عامه، در مورد پروسه ریفورم کارکنان ریاست عمومی محاسب و توقیف خانه های وزارت عدلیه اظهار داشت که: ساختار تشکیلاتی وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان از دو بخش ملکی و نظامی تشکیل شده است. هدف از بخش نظامی عبارت از پرسونل نظامی ریاست عمومی محاسب و توقیف خانه ها می باشد که با یونیفورم معین در جهت تامین امنیت محاسب و توقیف خانه و نگهداری مطمئن محبوسین و توقیف شده گان فعالیت می نماید. وزارت عدلیه در زمینه تطبیق اصلاحات اداری در بخش ملکی پیشرفت ها و موفقیت های بزرگی داشته است. پروسه تطبیق ریفورم در بخش ملکی وزارت عدلیه اساساً در سال ۱۳۸۴ آغاز شد. در جریان همین مدت تقریباً تمام کارکنان وزارت عدلیه تحت ریفورم قرار گرفته و اشخاص واجد شرایط به اساس رقابت آزاد هم در مرکز و هم در ولایات استخدام شده اند.

معین اداری وزارت عدلیه در مورد ریفورم در محاسب افغانستان گفت: موضوع بسیار عمده و مهمی دیگر تطبیق ریفورم و اصلاحات در بخشی نظامی وزارت عدلیه یعنی ریاست عمومی محاسب و توقیف خانه ها است. کار بالای استراتیژی اصلاحات اداری و طرح اصلاح تشکیلات ریاست عمومی محاسب و توقیف خانه ها به اساس حکم ۴۲۹۹ مورخ ۱۳۸۵/۱۱/۲ مقام عالی ریاست جمهوری آغاز شد. در تهیه و تدوین این استراتیژی و ساختن طرح تشکیلات ریفورمی محاسب نمایندگان جامعه جهانی به خصوص ایالات متحده امریکا، بریتانیا، ایتالیا، اتحادیه اروپا و سازمان های یوناما و لنتفا، نمایندگان کمیسیون اصلاحات اداری و خدمات ملکی و همکاران ریاست عمومی محاسب و توقیف خانه های وزارت عدلیه سهم داشته اند.

وی علاوه کرد: با در نظر داشت تعداد روز افزون محبوسین که در هر سال تقریباً دو هزار نفر به تعدادشان افزوده می شود و کمبود پرسونل امنیتی که شدیداً محسوس بود، گروپ کاری متذکره در جریان مدت سه سال گذشته توانستند که مسوده و طرح نهایی تشکیل ریفورمی محاسب و توقیف خانه ها را آماده کنند. بالاخره طرح متذکره بعد از چندین بار بازنگری جهت منظوری به مقام محترم ریاست جمهوری پیشنهاد شد که به تاریخ ۱۳۸۸/۴/۱۰ مورد تائید شان قرار گرفت. جهت اجرا و تطبیق تشکیل ریفورمی محاسب از جانب شورای رهبری وزارت عدلیه دو کمیته موظف شد که یکی کمیته تطبیق ریفورم در بخش پرسونل نظامی تحت ریاست معینیت مسلکی و دیگری کمیته تطبیق ریفورم در بخش ملکی محاسب تحت ریاست معینیت اداری.

کمیته تطبیق ریفورم در بخش نظامی عملاً به کار آغاز نموده، در قدم نخست پست های عمده و هیات رهبری ریاست عمومی محاسب به رقابت گذاشته شد که افراد به اساس معیار بلندترین نمره و لیاقت و شایستگی و صداقت و تقوی

انتخاب گردیدند. به تعقیب آن امتحانات قدمه های بعدی دفاتر مرکزی منجمله قرارگاه ریاست عمومی محابس، توقیف خانه ولایت کابل، محبس انائیه، توقیف خانه مواد مخدر، مدیران محابس زون مرکز و بعضی پست های دیگر به رقابت گذاشته شد که تا کنون بیشتر از ۴۰۵ نفر امتحان رقابتی را سپری کرده اند و ۳۰۷ نفر تعیین بست گردیده اند، که از آن جمله ۱۳۰ نفر در قرارگاه ریاست محابس، ۷۴ نفر در توقیف خانه ولایت کابل، ۲۹ نفر در محبس انائیه، ۱۱۲ نفر در توقیف خانه مواد مخدر و ۲۵ نفر در آکادمی تعلیمی ریاست عمومی محابس و توقیف خانه می باشند. به همین ترتیب در تعداد کارمندان ملکی محابس نیز افزایش قابل ملاحظه ای رونما خواهد شد. به طور مثال اکنون صرف ۱۹۸ نفر ملکی در بخش ریاست عمومی محابس و توقیف خانه ها فعالیت می نماید که این رقم در پنج سال آینده به ۲۹۱۲ نفر خواهد رسید، که از این میان ۱۷۲۷ نفر مامور و ۱۱۸۵ نفر اجیر خواهد بود. در مجموع پرسونل نظامی و ملکی محابس به ۱۰۱۰۰ نفر ارتقاء خواهد یافت که از طریق رقابت آزاد جذب و استخدام می شوند.

معین اداری وزارت عدلیه با اشاره به اینکه مرحله عملی تطبیق ریفورم در بخش ملکی محابس بنا بر روز یک سلسله مشکلات تا کنون آغاز نشده و کار مجدد بالای ساختار تشکیلاتی بخش ملکی محابس جریان دارد، اظهار امیدواری کرد که با پایان یافتن بازنگری ساختار تشکیلاتی و لویح وظایف بست های ملکی، مرحله تطبیق ریفورم بخش ملکی محابس نیز آغاز شود.

مجرمیت قانونی (قصور)

#### حاجی سید محمد

برای اینکه قانون کسی را قابل تعقیب و مجازات نسبت به اجرای بعضی اعمال قرار دهد، بعد از انتساب فعل به فاعل و تثبیت مسؤولیت وی لازم است تا عمل اجرائی یا اهمالی جرم باشد. یعنی صرف نسبت دادن هر عمل به فاعلی که شرایط مسؤولیت را تکمیل نموده، کافی نیست. به عبارت دیگر برای آنکه نتایج ناگوار ناشی از عمل به فاعل نسبت و موصوف مکلف و متعهد در برابر اجرای چنین افعال خود دانسته شود، شرط است که عمل وی جرم یا تقصیر باشد و در غیر از موارد اعمال جرمی و تقصیر نمی تواند فاعل را قابل تنبیه و مجازات دانست، عمل جرمی یا تقصیر دارای بعضی صفات و علائم خاص بوده که قوانین مختلفه آن را تشریح و توضیح نموده اند.

قصور مانند مسؤولیت کدام تعریف مشخص ندارد که به اساس آن بتوان اعمالی را در تحت آن قرار داده و مرتکبین چنین افعال را قابل مجازات دانست، بلکه اکثر کتب و قوانین جزایی حین تعریف قصور متذکر گردیده اند، هر گاه فاعل مرتکب اعمال جرمی گردیده و در حالاتی چون جنون، صغر سن، دفاع مشروع، حالت اضطرار و غیره قرار نگرفته باشد، مقصر پنداشته می شود.

تعریف دیگری که از تعریف فوق تا اندازه ای جامع بوده چنین است که: هرگاه فاعلی قابلیت قبول مسؤولیت جزائی را حایز بوده به صورت مقصرانه (قصدی و غیر قصدی) عمل جرمی را مرتکب گردیده باشد، قابل مجازات دانسته می شود. بناءً تقصیر عملی است ضد اجتماعی و مرتکب آن خواسته است تا از قواعد و مقررات اجتماعی به صورت قصدی و یا غیر قصدی طوری که امکان سنجش و قوع نتایج اعمال خود را تصور و پیش بینی نموده می توانست، ولی بازم از اثر غفلت و بی احتیاطی مرتکب چنان عمل گردیده است. بناءً منحصیث یک موجود اجتماعی که مکلف به رعایت قواعد عمومی جامعه بوده غرض حفظ نظم و امن و تأمین حقوق افراد و جامعه مستوجب مجازات دانسته می شود.

مفهوم قصور طوری که امروز در حقوق جزا و قوانین متداوله جنائی مروج و معمول است در زمان گذشته چنان نبوده؛ زیرا در ازمنه قدیمی بیشتر به نتایج حاصله جرم اهمیت داده می شد و جزا هم متناسب به فعل ارتکابیه و نتیجه مادی آن تعیین و تقدیر می گردید. بدین ترتیب قصد، چندان رولی در حصه تطبیق مجازات نداشته، اما بعداً جزا نه تنها به نتیجه عمل؛ بلکه نظر به قصد و

شخصیت مجرم و تمام احوال و اوضاع و کیفیات جرم و شخصیت مجرم مورد اعمال قرار گرفت. متکی به این مفکوره که شخص را باید جزا دادنه اعمال ارتکابیه وی را، که البته شدت عمل ارتکابیه و نتیجه اعمال جرمی نیز شامل آن می باشد، رول قصور و قصد به معنی عام آن با ارزش و مهم تلقی گردید.

به این دلیل در عصر حاضر قصور اساس و بنیان مسؤولیت جزائی را تشکیل می دهد؛ لذا قانون صرف همان اعمالی را قابل مجازات دانسته که ناشی از قصور فاعل باشد. قصور هم قصدی شده می تواند و هم غیر قصدی. با وجود آن، موضوع نتیجه مادی فعل ارتکابیه نیز در تعیین مجازات در نظر گرفته می شود. بعضی از قوانین جزای خصوصی حین تعریف بعضی از جرایم، قصور را در هر یک به طور مشخص نیز ذکر می نمایند.

طوری که گفته شد اساس مسؤولیت و جزا را قصور تشکیل می دهد؛ اما بعضاً در موارد خاص متکی به نتیجه مادی جرم، نیز تعیین مجازات صورت می گیرد. در حالی که قصور اصلاً در چنان حالاتی موضوع بحث شده نمی تواند. مثلاً هرگاه شخصی به صورت ارادی خود را نیشه نموده و مرتکب عمل جرمی گردد، باز هم متناسب به عمل جرمی خویش مستحق مجازات می باشد. دلیلی که چرا چنین شخص با وجود آن که فاقد عنصر اراده بوده (زیرا نیشه اختیار واراده وی را سلب نموده) و در حالت غیر ارادی مرتکب جرم گردیده، مستوجب مجازات می دانند؛ همان است که موصوف خودش خود را نیشه نموده است. این گونه حالات استثنائی می باشد.

### شعبات حقوق

#### دردانه فضائلی

... ادامه از شماره قبل...

**۲- حقوق اداره:** حقوق اداری به عنوان شاخه ای از حقوق عمومی داخلی، به مجموعه قواعد حقوقی اطلاق می شود که حقوق و تکالیف سازمانهای اداری دولت، خصوصاً سازمانهای اجرائیه آن و روابط آنها با مردم را مشخص می سازد. یا به عبارت دیگر "حقوق اداره در مورد آن شخصیتهای حکمی که دارای کرکتر اداری اند، مانند تشکیلات اداری، وزارتخانه های مختلف، ادارات دولتی، شاروالیهها، تقسیمات ملکی کشور (ولسوالیهها و ولایات) و ارتباط بین این تشکیلات و مردم، بحث می کند."

حقوق اداری ناظر بر برخی از فعالیتهای سازمانهای اداری است و شامل فعالیتهای سیاسی، قضایی و قانونگذاری سازمانها نمی شود.

فعالیتهای اداری به دو منظور حفظ نظم عمومی ارائه خدمات عمومی انجام می شود.

#### - حفظ نظم و امنیت عمومی

تامین امنیت و آسایش عامه که ساختار اداری خاص خود را می طلبد.

#### - ارائه خدمات عمومی

تامین احتیاجات عامه که عبارت از آن خدماتی است که هر عضو جامعه به آن ضرورت دارد مانند آب، برق، پست و تلفن، صحت، وقایه از امراض و ... خدمات عمومی را ممکن دولت خود به طور مستقیم انجام دهد و یا از طریق سکتور خصوصی ارائه نماید به هر صورت تحت کنترل دولت باید اجرا گردد.

**اداره:** عبارت از مجموع فعالیتهایی است که دولت به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم به منظور حفظ نظم عمومی و یا رفع احتیاجات عامه آنرا اجرا می کند.

اداره به مفهوم مادی آن صرف به اعمال قوه اجرائیه گفته می شود و دوقوه دیگر دولت (مقننه و قضائیه) به مفهوم مادی از اعمال اداری به دوراند و در ساحه حقوق اداره شامل نمی گردد.

**تشکیلات اداری:** عبارت از آن دسته تشکیلاتی اند که از طرف شخصیت‌های حقیقی و یا حکمی به منظور انجام اعمال مادی اداری اجرا گردیده که معمولاً به نام وزارتخانه‌ها، واحدهای تشکیلاتی و اداری شناخته می‌شود.

در افغانستان با توجه به فصل هشتم قانون اساسی، سازمانهای اداری کشور به سه دسته تقسیم شده است:

الف: ادارات مرکزی که هر واحد آنرا وزارت می‌گویند.

ب: ادارات محلی که در راس آن مقام ولایت قرار دارد.

د: ولسوالیها و ارگانهای ممد مانند شورا های ولسوالی، ولایتی و شاروالی می باشد که از طریق انتخابات تعیین می گردند.

**۳. حقوق مالی:** حقوق مالی آن رشته از حقوق عامه است که موضوع بحث آن عواید و مصارف دولت بوده که در قالب بودجه عمومی منعکس می گردد. یا به عبارت دیگر حقوق مالی مجموع قواعدیست که به اساس آن کارکنان دولت از اتباع خویش مالیات اخذ و در مورد تصویب بودجه عمومی، عواید و مصارف کشور بحث می کند.

**بودجه عمومی:** بودجه عمومی عبارت از سند یست که در آن مصارف و عواید دولت مبنی بر اهداف و سیاست مالی کشور به مدت یک سال انعکاس می یابد.

**منابع عایداتی دولت:** دولتها دارای منابع عایداتی ذیل می باشند:

مالیات، قروض، وسایل پولی، قیمت خدمات و عواید غیرمالیاتی.

**۴. حقوق جزا:** قبل از این که وارد بحث حقوق جزا شویم یک نکته قابل یاد آور یست؛ وقتی که صحبت از قانون مدنی (تنظیم روابط افراد) به میان می آید لاجرم در کنار آن، تفسیر این قانون و مقررات نیز ضرورت پیدا می کند که در حقوق مدنی به بحث و بررسی گرفته شده است نه در قانون مدنی. پس حقوق جزا هم مستثنا از این قاعده نمی باشد. حقوق جزا عبارت از مجموعه قواعدیست که به منظور ایجاد نظم در جامعه با استفاده از آن؛ صلاحیت تطبیق جزاها تحقق می یابد. حقوق جزا مجموعه قوانین، مقررات و قواعدی که نظم عمومی را تامین می کنند به بحث و بررسی می گیرد. یعنی مادر اینجا علاوه بر قانون مجازات با "حقوق مربوط به مجازات" نیز روبرو هستیم. در واقع قانون مجازات مسائلی را در ارتباط با جرم و کیفر آن عنوان می سازد و حقوق جزا به بررسی و تفسیر این مسائل می پردازد.

تعقیب اعمالی که به نظم جامعه صدمه می زند وظیفه دولت است بدین اساس دولت باید به منظور ایجاد نظم قواعد و مقرراتی را وضع نماید تا در پرتو آن هیچ خاطی نتواند در محدوده قانون از تطبیق مجازات نجات یابد. بنا بر این در افغانستان به منظور تطبیق قواعد حقوق جزا در کنار قواعد متنی که نکات اساسی حفظ نظم جامعه را مشخص می سازد، شکلیات تطبیق جزاها را از طریق قواعد شکلی که به نام اصول محاکمات جزایی شناخته می شود تنظیم می کند.

### **حقوق جزا دارای شعبات زیر می باشد:**

الف: حقوق جزای عمومی

ب: حقوق جزای خصوصی

ج: علوم معاونه

**الف: حقوق جزای عمومی:** عبارت از آن قواعد و مقرراتیست که از انواع جرایم و مجازات، تدابیر امنیتی، شروع جرم، تکرار جرم، تعدد جرایم، شراکت در جرم، مسؤولیت جزایی، تخفیف مجازات، عفو و اعاده حیثیت بحث می کند. تمام این نکات در قانون جزای افغانستان درج گردیده است.

**ب: حقوق جزای خصوصی:** حقوق جزای اختصاصی از انواع جرایم بحث نموده و عناصر متشکله هر جرم را بیان کرده و جزای آنرا تعیین می نماید. در اصل حقوق جزای اختصاصی تکمیل کننده حقوق جزای عمومی می باشد همانطوریکه هر جرم متشکل از سه عنصر (مادی، معنوی و قانونی) است با وجود این عناصر هر جرم در بر گیرنده عناصر مشخص و

معین ویژه خود است که حقوق جزای اختصاصی به آن وضاحت بخشیده و برای هر جرم جزای خاص همان جرم را معین می نماید.

حقوق جزای اختصاصی جرایم را به دسته های ذیل تقسیم نموده است:

الف: جرایم بر ضد اشخاص مانند قتل، ضرب، جرح و ...

ب: جرایم بر ضد اموال مانند سرقت، خیانت در امانت ...

ج: جرایم بر ضد خانواده مانند ابا ورزیدن از ادای نفقه ...

د: جرایم بر ضد عفت و اخلاق عمومی مانند زنا، لواطت ...

و: جرایم بر ضد مصالح عامه مانند جاسوسی، جرایم ضد امنیتی داخلی و خارجی و ...

**- جزاهای اصلی:** در قانون جزا مجازات را به دسته های زیر تقسیم نموده است:

- **اعدام:** در مطابقت به تعدیل ماده ۹۸ قانون جزا، اعدام عبارت است از تیر باران کردن محکوم علیه تا وقت مرگ.

- **حبس دوام:** در مطابقت به فقره دوم ماده ۹۹ قانون جزا مدت حبس دوام از ۱۶ سال الی ۲۰ سال می باشد.

- **حبس طویل:** در مطابقت به فقره دوم ماده ۱۰۰ قانون جزا مدت حبس طویل از ۵ سال کمتر و از ۱۵ سال بیشتر نمی باشد.

- **حبس متوسط:** در مطابقت به فقره دوم ماده ۱۰۱ قانون جزا مدت حبس متوسط از یک سال کمتر و از پنج سال بیشتر نمی باشد.

- **حبس قصیر:** در مطابقت به فقره دوم ماده ۱۰۲ قانون جزا مدت حبس قصیر از ۲۴ ساعت کمتر و از یک سال بیشتر نمی باشد.

**جزاهای تبعی:** آن جزاهایی اند که بر محکوم علیه بر اساس حکم قانون تطبیق شده بدون آنکه در حکم محکمه تصریح شده باشد.

**- جزاهای تکمیلی:** آن جزاهایی اند که در کنار جزاهای اصلی به اساس صلاحیت محکمه تطبیق شده و در حکم محکمه به طور صریح گنجانیده می شود.

**- جریمه نقدی:** که محکوم علیه بر اساس حکم محکمه به پرداخت معین پول نقد محکوم می شود.

**ج: علوم معاونه (ممد) حقوق جزا:** علوم اند که حقوق جزا به کمک آنها به اهداف خویش نائل می گردد. این علوم عبارت از جزا شناسی، طب عدلی، جرم شناسی، کریمینالستیک یا پولیس علمی می باشد.

**۵. حقوق کار:** حقوق کار یکی از شعبات حقوق عمومی یا عامه بوده و عبارت از قواعد و مقرراتی است که حاکم بر کار بوده و روابط میان کارگر و کار فرما را تنظیم می نماید. موضوعات مورد بحث و بررسی حقوق کار عبارت از:

رابطه بین کارگر و کار فرما، مزد یا اجوره، قرار داد کار، ساعات کار، ساحات کار، تضادم در کار، رخصتی و تفریح هنگام کار است. و منابع حقوق کار در کشور ما قانون کار، قانون مامورین دولت، مقررره ها و لوایح مربوط به آن و کنوانسیون ها و میثاقهای کار که افغانستان به آن الحاق شده می باشد.

## **دوم: حقوق خصوصی**

### **معرفی سازمان ملل متحد**

دردانه فضائی

### **منشور ملل متحد**

منشور، سند تشکیل دهنده سازمان ملل متحد می باشد. این سند تعهدات و حقوق کشورهای عضو را اعم از کوچک و بزرگ مشخص نموده و شیوه فعالیتها و ارگانهای ذیربط ملل متحد را تعیین می کند. منشور به عنوان معاهده بین المللی،

اصول عمده روابط بین الملل مانند برابری در حاکمیت کشورها، جلوگیری استفاده از زور در روابط بین الملل و سایر موارد که با اهداف ملل متحد مغایرات داشته باشد، تدوین می کند. در منشور ملل متحد مقاصد و اصول ذیل تصریح شده و عملی می گردد.

مقاصد ملل متحد

حفظ صلح و امنیت بین المللی؛

توسعه روابط دوستانه بین ملتها بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و حق تعیین سرنوشت مردم؛  
همکاری برای حل مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بشر دوستانه بین المللی و به منظور تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی های بنیادی؛

بود مرکزی برای هماهنگ کردن اقدامات ملتها به منظور نیل به این هدف های مشترک؛

### اصول ملل متحد

سازمان بر مبنای اصل تساوی حاکمیت کلیه اعضای خود استوار است؛

کلیه اعضای معاهدات خود را بر اساس منشور با حسن نیت انجام خواهند داد؛

کلیه اعضا اختلافهای خود را به شیوه های مسالمت آمیز و بدون به خطر انداختن صلح و امنیت بین المللی و عدالت حل خواهند کرد؛

کلیه اعضا از تهدید یا استفاده از زور علیه هر کشور دیگری خود داری خواهند کرد؛

کلیه اعضا به سازمان ملل در هر اقدامی که بر اساس منشور انجام می دهد، هر گونه کمکی ارائه خواهند داد؛

هیچ یک از مفاد منشور به ملل متحد اجازه نمی دهد در مسائلی که ذاتاً در قلمرو صلاحیت قانونی داخلی هر کشوری است، مداخله کند؛

### عضویت در سازمان ملل متحد

تمامی کشور های که دوستدار صلح و امنیت بوده و تعهدات منشور ملل متحد را می پذیرند و قادر به اجرای مقاصد و اصول منشور ملل هستند می توانند عضویت سازمان ملل متحد را کسب نمایند.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد کشور های جدید را به توصیه شورای امنیت به عضویت می گیرند. گر چه منشور ملل متحد، تعلیق و یا اخراج عضویت کشورها را مبنی بر نقض اصول منشور پیش بینی کرده است ولی تا کنون چنین اقدامی عملی نشده است.

### زبانهای رسمی ملل متحد

بر اساس منشور ملل متحد، زبانهای رسمی سازمان ملل متحد چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی، و اسپانیایی می باشد. و زبان عربی به عنوان زبان رسمی سازمان ملل متحد هم یکی از زبانهای رسمی مجمع عمومی شورای امنیت و شورای اقتصادی و اجتماعی افزوده گشت.

### ساختار سازمان ملل متحد

منشور برای سازمان ملل متحد شش رکن اصلیرا قرار ذیل مشخص نموده که عبارتند از: مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اقتصادی و اجتماعی، شورای قیمومت، دیوان بین المللی دادگستری و دبیر خنهمی باشد. ولی بآن همسازمان ملل متحد به مراتب بزرگتر و دارای چندین نهاد و کارگزاری است.

## مجمع عمومی سازمان ملل: معیارها و قواعد اصول محاکمات جزائی

(قسمت دوم)

فیض الله خواجه امانی

چیز دیگری که بیشتر باید مد نظر باشد این است که وسایل اثبات در دعوای مدنی و جزائی از هم فرق دارد که این موضوع در اصول محاکمات جزائی و مدنی مد نظر گرفته شده است. به این معنی که در دعوای جزائی قاضی در انتخاب طرق و وسایل اثبات، آزادی دارد در حالی که در دعوای مدنی وسایل اثبات قبلاً توسط قانون تعیین گردیده و این موضوع خیلی دقیق است، زیرا ماهیت تخلف جرمی از نزاع و جنجال مدنی فرق دارد. حوادث جرمی ناگهانی و بدون پیش بینی واقع می شود در حالی که موضوعات مدنی روی یک عقد به میان می آید و تعهدات را در آن می گنجانند. در صورت پوره نکردن تعهدات، جنجال بین طرفین عقد به میان می آید. مثلاً موضوع سرقت یا قتل را کسی پیش بینی کرده نمی تواند، اما بروز یک حادثه روی موضوعات مالی در یک عقد و معامله مدنی قابل پیش بینی است، مثلاً اگر ما برای تثبیت ملکیت غیر منقول اقدامات را انجام دهیم، باید سند را مطالبه نماییم که این سند در دفتر دولت قبلاً درج شده می باشد. اما در دعوای جزائی قاضی صلاحیت دارد، از هر نوع وسیله اثباتی که با حادثه جرمی ارتباط داشته باشد استفاده نماید، طوری که با اتکا به ایمان و وجدان خود قضاوت عادلانه را انجام دهد یا مثلاً در دعوای مدنی از سوگند استفاده اعظمی صورت می گیرد، اما در دعوای جزائیاتکا بالای سوگند نمی شود، صرف برای تقویه دلایل دیگر می تواند استفاده شود، اگر قاضی سوگند را مدار اعتبار قرار دهد این کار مخالف روحیه اصول محاکمات جزائی می باشد؛ زیرا در این موارد منافع جامعه و دولت لطمه دار می گردد.

موضوع مهم دیگری که روی آن باید بحث صورت گیرد، وسیله اثبات در دعوی مدنی و جزائی است که طبعاً از نگاه اصول محاکمات تاثیرات خود را بالای اصول محاکمات جزائی و مدنی می داشته باشد، که باید از وسایل اثبات به طور جبری در هر دو بخش به خصوص در ساحه جزائی جلوگیری به عمل آید. چنانچه اعمالی که مخالف کرامت انسانی باشد نباید به منظور اثبات در دعوی جزائی بکار برده شود، شکنجه های جسمانی که در مراحل ابتدائی تحول حقوق عامه در اثبات دعوی معمول بود، امروز در تحقیق جرایم جواز ندارد؛ چنانچه در ماده (۳۰) قانون اساسی کشور آمده "اقرار و شهادتی که از متهم یا شخص دیگری به وسیله اکراه بدست آورده شود اعتبار ندارد."

عین مطلب در ماده (۵) اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین آمده "هیچ کس بایست تابع شکنجه یا عذاب ظالمانه که غیر انسانی بوده یا حیثیت بشر را پائین آورد نگردد." به این رابطه در فقره (۴) ماده (۵) قانون اجراءات جزائی موقت آمده "اشخاص مظنون و متهم تحت هیچگونه فشار روحی و یا جسمی قرار گرفته نمی تواند"

موضوع دیگری که اصول محاکمه جزائی را از اصول محاکمه مدنی متمایز می سازد مسأله تحقیق قبلی است. در دعوای جزائی تحقیق قبلی، یک مرحله از جریان دعوی شناخته می شود. درحالی که در دعوای مدنی که به محکمه تقدیم می شود تحقیق قبلی آنقدر دارای اهمیت نمی باشد؛ بلکه طرفین دعوی مستقیماً مدعیات خود را به حضور قاضی بیان می کنند. اما در دعوای جزائی چون حادثه جرمی بدون پیش بینی واقع می شود باید مرجعی باشد که تحقیق قبلی را پیش از اینکه دوسیه به محکمه آید، انجام دهد. مثل کارمندان جنائی، مستنطقین سارنوالی. ارگانهای مذکور باید تحقیقات ابتدائی را تکمیل و بعد از دریافت دلایل و شواهد، دوسیه را از طریق سارنوالی محول محکمه مربوطه نمایند.

## طرح مقررہ ذخایر احتیاطی و طرح مقررہ کادر علمی آکادمی علوم افغانستان در کمیته قوانین مورد بحث قرار گرفت

جلسه کمیته قوانین شورای وزیران، به ریاست آقای خلیلی معاون رئیس جمهور و رئیس آن کمیته روز پنج شنبه ۹ میزان ۱۳۸۸ دایر گردید، در این جلسه طرح مقررہ ذخایر احتیاطی غله، طرح تعدیل فقره ۱ ماده سی ام قانون کوپراتیف و طرح مقررہ کادر علمی آکادمی علوم افغانستان، مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

مقررہ ذخایر احتیاطی غله جات به منظور طرز ایجاد ذخایر احتیاطی غله جات و سایر امور مربوط به آن در (۳) فصل و ۱۸ ماده وضع گردیده است. که هدف آن تثبیت نیازمندی های غله جات و مقدار تولید آن، تحلیل، ارزیابی، توحید و تثبیت ارقام احصائیوی نیازمندی ها به غله جات و مقدار تولید آن، جلوگیری از صعود قیمت غله جات در موقع کمبود، احیای مجدد سیلوهای آسیب رسیده و اعمار و تجهیز سیلوهای جدید، گدام های سیار و ثبات در سطح کشور با نظرداشت نیازمندی، جلوگیری از انتقال غیر مجاز غله جات به خارج کشور و تشویق و تقویه بنیه مالی دهاقین و انکشاف مارکیت از طریق خریداری محصولات مازاد.

همچنین مقررہ کادر علمی آکادمی علوم جمهوری اسلامی افغانستان به تاسی از حکم مندرج فقره ۲ ماده بیست و نهم قانون آکادمی علوم جمهوری اسلامی افغانستان و فقره ۳ ماده دهم ضمیمه شماره ۱ آن به منظور تنظیم شرایط پذیرش به کادر علمی آکادمی علوم جمهوری اسلامی افغانستان، شرایط ترفیعات اعضای کادر علمی، وظایف و مکلفیت های اعضای کادر علمی و سایر امور مربوطه، در (۵) فصل و ۱۶ ماده وضع شده است.

اعضای کمیته قوانین شورای وزیران طرح مقررہ های کادر علمی آکادمی علوم جمهوری اسلامی افغانستان، طرح مقررہ ذخایر احتیاطی غله جات و طرح تعدیل فقره (۱) ماده سی ام قانون مورد بحث و تدقیق قرار داده و پس از ایراد یک سلسله تغییرات محتوایی و شکلی در برخی ماده ها، مقررہ های متذکره را غرض طی مراحل بعدی به جلسه عالی شورای وزیران ارجاع ساخت.

### معرفی قوانین (۹)

#### قانون اسناد قابل معامله

سید محمد رضا فخری

این قانون به تاسی از حکم ماده هفتاد و نهم قانون اساسی افغانستان، قانون اسناد قابل معامله را که به اساس مصوبه شماره (۴۵) مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۱۶ شورای وزیران به داخل (۱۶) فصل و (۱۳۳) ماده تأیید گردیده و به توشیح رئیس جمهور اسلامی افغانستان رسیده است.

قانون اسناد قابل معامله به منظور تنظیم امور مربوط به ترتیب و انتقال اسناد قابل معامله و تبادل به پول نقد و نظارت از آنها و رعایت معیارهای بین المللی در زمینه وضع گردیده است. هدف عمده این قانون فراهم آوری زمینه تسهیلات بیشتر در امور مالی، دسترسی به اعتبارات قابل معامله، جلب سرمایه گذاری و توسعه تجارت، ترویج و تقویه مفکوره استفاده از اسناد قابل معامله میان اشخاص و نظارت بر تبادل و نقد سازی اسناد قابل معامله می باشد.

در این قانون یک تعداد اصطلاحات از قبیل اسناد قابل معامله، برات، چک، حجت، قبولی، قبول کننده، قبول کننده برای حفظ اعتبار، طرف مساعدت کننده، حامل، نکول، صادر کننده برات یاچک، صادرکننده حجت آمده که هر یک تشریح گردیده است.

ساحه تطبیق این قانون مطابق ماده چهارم قانون اسناد قابل معامله "این قانون در مورد تمام اسناد قابل معامله قابل تطبیق می باشد." و نظارت از تطبیق احکام این قانون به عهده دافغانستان بانک می باشد. که بر این اساس دافغانستان بانک می تواند در مورد فیس های بانکی و جرایم مالی چک های نکول شده مندرج احکام این قانون توسط مشتریان

بانک ها، مقررات و طرز العمل ها را وضع نماید. و همچنان می تواند جهت تطبیق بهتر احکام این قانون مقررره ها را طی مراحل و لوايح و طرز العمل های جداگانه ایرا که مغایر احکام این قانون نباشد، وضع و تطبیق نماید. این قانون از تاریخ توشیح نافذ و در جریده رسمی نشرگردیده و با انفاذ آن احکام فصل های اول، دوم و سوم باب سوم قانون تجارت افغانستان منتشره جریده رسمی شماره (۸۹) میزان سال ۱۳۳۶ ملغی شناخته می شود.

### **گزارش پروژه های ساختمانی مشترک عدلی و قضایی با کمک امریکا به وزیر عدلیه ارایه شد**

آقای سرور دانش وزیر عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان روز چهارشنبه ۸ میزان ۱۳۸۸ با جنرال مک مین مسئول بخش انجینیری نیروهای نظامی امریکا در افغانستان و آقای گری پیترز مستشار سفارت ایالات متحده امریکا در افغانستان در بخش حاکمیت قانون دیدار نمود. آنان گزارش پیشرفت کاری پروژه های مشترک ساختمانی سه نهاد عدلی و قضایی را که در ولایات مختلف افغانستان تکمیل ایالات متحده امریکا ساخته می شود، به وزیر عدلیه ارایه نمودند. جنرال مک مین اظهار داشت که بیش از ۶۰ پروژه ساختمانی به کمک ایالات متحده امریکا برای استفاده مشترک سه نهاد عدلی و قضایی (وزارت عدلیه، ستره محکمه و لوی سارنوالی) ولسوالی های شمال شرق افغانستان ساخته می شود. وی در گزارش خویش از پیشرفت کاری این پروژه گفت که شماری از پروژه ها به پایه اکمال رسیده و شماری دیگر در حال کار بوده و همچنین کار تعدادی از این پروژه های بنا به دلایلی متوقف می باشد. وزیر عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان با اظهار خوشنودی از اینکه کار این پروژه ها شروع شده و تا قسمتی نیز پیش رفته است ابراز امیدواری کرد که به زودی در مورد مراحل بعدی این پروژه ها نیز تصمیم گرفته شده و کار آنها شروع شود. چون ساختمان تعمیرات برای حاکمیت قانون اولین قدم است و امیدواریم که روزی تمامی مردم افغانستان به حاکمیت قانون دسترسی پیدا کنند. وی خواست تا کمک ها و اجرای پروژه های مشابه با کمک ایالات متحده امریکا در سراسر افغانستان گسترش پیدا نماید.

در پایان جلسه، وزیر عدلیه از خدمات و تلاش های آقای گری پیترز مستشار سفارت ایالات متحده امریکا در افغانستان در بخش حاکمیت قانون، تقدیر و تشکر نموده و برای ایشان آرزوی موفقیت نمودند.

### **قرارداد و شرایط صحت آن**

#### حفیظ الله زکی

قرار داد که در اصطلاح حقوقی به آن عقد و در امور مالی به آن معامله نیز می گویند، یک عمل حقوقی است که برای ایجاد آن نیاز به اراده دو طرف قرارداد دارد. یعنی در عقد باید دو یا چند شخص باهم روی موضوع معامله توافق کنند، تا در نتیجه توافق و تراضی طرفین و یا اطراف عقد، قرار داد به وجود بیاید. عمل حقوقی عبارت از کارهای ارادی اند که به منظور ایجاد اثر حقوقی خاص ایجاد می شود و قانون نیز اثر حقوقی مورد نظر را بر آن عمل بار می کند. از باب مثال اگر شخصی بخواهد چیزی را بفروشد، باید مشتری نیز به خرید آن رضایت دهد، یا عقد نکاح که با رضایت زن و شوهر اعتبار پیدا می کند، هرگاه یکی از زن و یا شوهر به آن رضایت نداشته باشد، عقد و یا قرارداد تحقق نمی یابد

**شارع:** خداوند (ج) و حضرت محمد (ص) و دستورات آنها در چوکات قرآن، سنت و سائر ارشادات دینی، گرفته شده از این دو منبع می باشد.

**شاروالی:** مؤسسه ای که هدف آن تأمین و ارائه خدمات شهری و رفع نیازمندیهای شهریان بوده و در محلی تأسیس می گردد که در آن بیشتر از پنج هزار نفر سکونت داشته و امکان تطبیق ماستر پلان در ساحه مربوط موجود باشد.

**شاکی:** شخصی که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان شده خواهان تحریک دعوی و حق خویش می باشد.

**شاکی خصوصی:** شخصی که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان شده و در خواست جبران خسارت نماید.

**شاهد:** شخصی که از وقوع یک امر یا وجود حق بالای شخص دیگر آگاه بوده، عندالمطالبه در محضر قضا آنرا بیان نماید.

قرار داد که در اصطلاح حقوقی به آن عقد و در امور مالی به آن معامله نیز می گویند، یک عمل حقوقی است که برای ایجاد آن نیاز به اراده دو طرف قرارداد دارد. یعنی در عقد باید دو یا چند شخص باهم روی موضوع معامله توافق کنند، تا در نتیجه توافق و تراضی طرفین و یا اطراف عقد، قرار داد به وجود بیاید. عمل حقوقی عبارت از کارهای ارادی اند که به منظور ایجاد اثر حقوقی خاص ایجاد می شود و قانون نیز اثر حقوقی مورد نظر را بر آن عمل بار می کند. از باب مثال اگر شخصی بخواهد چیزی را بفروشد، باید مشتری نیز به خرید آن رضایت دهد، یا عقد نکاح که با رضایت زن و شوهر اعتبار پیدا می کند، هرگاه یکی از زن و یا شوهر به آن رضایت نداشته باشد، عقد و یا قرارداد تحقق نمی یابد.

در قانون مدنی افغانستان ماده ۴۹۷ عقد را چنین تعریف می نماید: "عقد عبارت از توافق دو اراده است به ایجاد یا تعدیل یا نقل یا ازاله حق در حدود قانون."

به طور خلاصه می توان گفت که در عقد باید دو ویژگی موجود باشد:

-عقد یا قرار داد در اثر اراده دو یا چند نفر به وجود آمده باشد.

-هدف از قرار داد ایجاد تعهد باشد.

بنابراین اگر عملی با اراده یک شخص واقع شود، قرار داد گفته نمی شود. یا اگر دو یا چند شخص برای از بین بردن تعهد های گذشته خود باهم توافق کنند، باز هم عقد تحقق پیدا نمی کند. پس شخص اجاره دهنده و اجاره گیرنده، اگر به منظور برهم زدن اجاره با هم توافق کنند، اینجا گرچند توافق دو جانب معامله صورت گرفته؛ اما از آنجایی که در نتیجه چنین توافقی، تعهدی ایجاد نگردیده است، به آن عقد گفته نمی توانیم.

به هر حال وقتی عقد مطابق شرایط به وجود بیاید، اولین اثر آن این است که طرفین و یا اطراف قرارداد ملزم به اجرای تعهدات ناشی از عقد انجام شده می باشد.

### شرایط صحت قرار داد

قراردادها دارای شرایط و ضمانت اجرای چندی اند که وجود آن شرایط در صحت و نافذ بودن قرارداد ها مؤثر می باشند. تا زمانی که آن شرایط محقق نشوند، عقد باطل و یا غیر نافذ شمرده می شود. این شرایط به قرار ذیل می باشند:

-قصد طرفین و رضایت آنها

-اهلیت طرفین

-مورد معامله باید معین باشد

-معامله باید مشروع باشد

در شرط اول از قصد و رضا نام برده شده است؛ چون تحقق اراده شخص به دو عنصر "قصد" و "رضا" وابسته است. بین قصد و رضا از لحاظ حقوقی فرق وجود دارد. وقتی انسان در ذهن خود تصور انجام معامله را می کند و نفع و ضرر آن را می سنجد و پس از آن ایجاد عمل را تصدیق می کند؛ به معنای این است که شخص به انجام معامله رضایت دارد. اما وقتی شخص در عالم واقع و خارج می خواهد معامله را انجام دهد، به این معنا است که شخص قصد یک عمل حقوقی را دارد. به عبارت دیگر به انشای یک عمل حقوقی "قصد" گفته می شود.

بنابراین قصد مبتنی بر رغبت و رضای شخص به انجام قرارداد می باشد. قصدی که بر رضا استوار نباشد، این قصد از اعتبار قانونی برخوردار نیست. از آن طرف رضا نیز باید به قصد منتهی شود؛ رضای که قصد را به دنبال نیاورد؛ یک امر ذهنی صرف محسوب می شود و از اعتبار ساقط می باشد. به همین دلیل معامله مکره (شخصی که در اثر فشار غیر عادی یک عمل حقوقی را انجام می دهد) را غیر نافذ دانسته است؛ چون عنصر رضایت در آن وجود ندارد.

منظور از اهلیت این است که شخص صلاحیت داراشدن و اجرای حق را داشته باشد؛ یعنی بالغ، رشید و عاقل باشد.

یکی از شرایط صحت معامله معلوم و معین بودن مورد معامله می باشد. البته علم اجمالی مطابق قانون کفایت می کند. اگر تمام شرایط فوق موجود باشد؛ اما معامله مشروع نباشد، این معامله صحیح نیست. پس اگر کسی منزل خودش را برای انجام کارهای نامشروع، قمار، فحشا و... اجاره دهد، این معامله باطل می باشد.

ملاقات سفیر جدید کانادا با وزیر عدلیه

آقای ویلیام آر. (بل) کروسبی سفیر جدید کانادا در افغانستان، روز چهارشنبه ۸ میزان ۱۳۸۸، با آقای سرور دانش وزیر عدلیه جمهوری اسلامی ملاقات و درباره موضوعات مورد علاقه گفتگو نمود.

سفیر کانادا در این دیدار گفت که سکتور عدلی افغانستان برای کشور بسیار مهم است و تا کنون نیز کانادا در دو عرصه اصلاح قوانین و حقوق بشر با وزارت عدلیه کار کرده و همکاری داشته است. وی با اشاره به اینکه حدود ۵۰ هزار افغان در کانادا ساکن بوده و تابعیت این کشور را دارند، افزود که آنها به ما کمک می کنند تا ما فرهنگ افغان ها را بهتر بفهمیم و همکاری نزدیکتری داشته باشیم.

آقای سرور دانش وزیر عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان نیز ضمن اظهار خورسندی از تقرر آقای کروسبی به عنوان سفیر کشور کانادا در افغانستان، در مورد همکاری کانادا با وزارت عدلیه در بخش اصلاح و تسوید قوانین گفت که همکاری کانادا در این زمینه قابل قدر است و هم اکنون در وزارت عدلیه نیز یک تیم از کانادا در این راستا کار می کنند. وی در مورد راه اندازی اداره حقوق بشر در چوکات وزارت عدلیه گفت که یک موسسه بین المللی مسئولیت کار برای راه اندازی این اداره را دارد ولی متأسفانه کار به کندی پیش می رود، ما امیدوارم که در کوتاه ترین زمان اداره حقوق بشر را در چوکات وزارت عدلیه فعال بسازیم؛ چرا که موضوع حقوق بشر یک موضوع حیاتی و مهم است.

همچنین وزیر عدلیه در مورد افغان هایی که تابعیت کانادا را دارند گفت که بسیار خوب خواهد بود اگر امکاناتی فراهم شود تا افراد متخصص در بخش سکتور عدلی و قضایی به افغانستان بیایند و با ما همکاری نمایند.

آقای کروسبی با تأکید بر همکاری کانادا با افغانستان اظهار امیدواری کرد که با همکاری مردم افغانستان شاهد کشوری آباد و با ثبات باشیم.